

سیاست همسایگی اروپا و تأثیر آن بر توسعه سیاسی جمهوری مولداوی

رکسانا نیکنامی^۱

استادیار مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۷/۱۰)

چکیده

مولداوی مرز شرقی میان اتحادیه اروپا و جهان خارج است و همین مسئله، سبب اهمیت ژئوپلیتیک این کشور کوچک شده است. همکاری میان اتحادیه اروپا و مولداوی پس از استقلال این کشور آغاز شد. از سال ۲۰۰۹ مولداوی خود را متعهد به تبعیت از استانداردهای اتحادیه اروپا کرد. این تبعیت، در قالب سیاست همسایگی اروپا و طرح مشارکت شرقی متبلور شد. پیوند میان دو بازیگر با انعقاد موافقت‌نامه همکاری به اوج خود رسید. ذیل این سیاست‌ها، مولداوی دست به اصلاحات اساسی در ساختار نهادی خود زد تا بتواند به سطح استانداردهای اروپایی نزدیک شود. در واقع سیاست همسایگی اروپا، در پی راهی برای تحریک انگیزه کشورهای عضو در جهت همگرایی با اروپاست. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش است که اجرای سیاست همسایگی اروپا و به‌طور مشخص طرح مشارکت شرقی، چه تأثیری بر وضعیت توسعه سیاسی در این کشور داشته است. در پاسخ می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که سیاست همسایگی اروپا در قالب اصل مشروط بودن و اصل جامعه‌پذیری، سبب اعمال فشارهایی در جهت اجرای اصلاحات سیاسی در مولداوی شده است؛ اما تأثیر توسعه‌ای این سیاست‌ها سطحی و غیرفراگیر بوده است. برای آزمون این فرضیه از نظریه اروپایی شدن فرانک شیملفنینگ استفاده شده است. نظریه اروپایی شدن، ابزاری به‌منظور درک تغییرات داخلی مولداوی و روند توسعه آن است.

واژگان کلیدی

اتحادیه اروپا، اروپایی شدن، توسعه سیاسی، جامعه‌پذیری، سیاست همسایگی اروپا، طرح مشارکت شرقی، مشروط بودن.

Email: niknami.roxana@ut.ac.ir

این مقاله از نتایج اجرای یک طرح پژوهشی، مصوب مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران است که با حمایت مالی این مرکز اجرا شده است.

۱. مقدمه

مولداوی کشوری با موقعیت ژئوپلیتیک مهم است که دو قدرت جهانی روسیه و اتحادیه اروپا را به هم متصل می‌کند. این کشور از غرب با رومانی و از سایر جهات با اوکراین همسایه است. مولداوی کشوری به نسبت آزاد است؛ جایی که در آن، رقابت سیاسی در بستر ساختار ضعیف دولتی، احزاب سیاسی شکننده و فساد صورت می‌پذیرد. زمانی که مولداوی به استقلال رسید، گسترش منازعه ترانسنیستریا^۱ جلوی اصلاح ساختاری و نهادی کشور را گرفت. احزاب سیاسی نیز فاقد ظرفیت نهادی کافی بودند، در نتیجه فرایند ملت‌سازی دچار اختلال شد.

جمهوری خودمختار مولداوی از سال ۱۹۳۴ به عنوان بخشی از اوکراین شکل گرفت. این کشور در سال ۱۹۹۰ استقلال خود را اعلام کرد (کولای، ۱۳۹۲: ۳۲۱). در سال‌های اولیه استقلال، مولداوی به عضویت سازمان ملل درآمد. در سال ۱۹۹۶ عضو شورای اروپا شد و در سال ۲۰۰۱ به سازمان تجارت جهانی پیوست و با اینکه قدرت در دست حزب کمونیست بود، به تقویت رابطه خود با اروپا پرداخت. پس از آن موافقت‌نامه‌های دو و چندجانبه فراوانی با اتحادیه اروپا امضا کرد. در سال ۱۹۹۸، یک موافقت‌نامه همکاری میان طرفین به امضا رسید. ولادیمیر ورنون^۲ رئیس‌جمهور مولداوی و رهبر حزب کمونیست، با اینکه تمایل خود به اروپا را علنی کرد، اما در پی حفظ موازنه میان روسیه و اتحادیه اروپا بود.

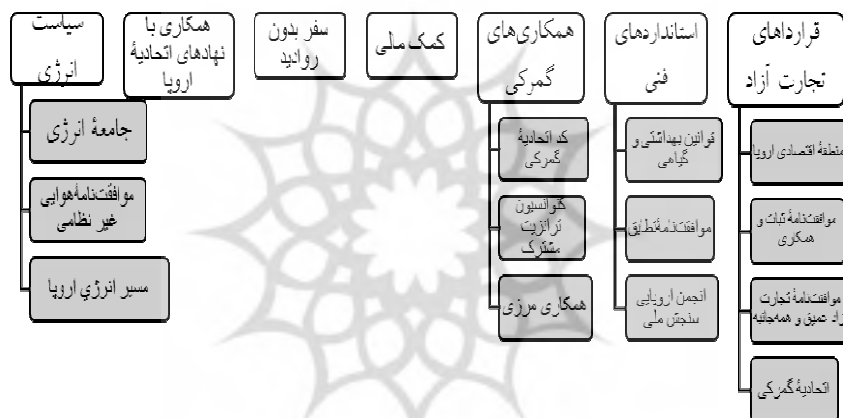
از پایان دهه ۱۹۹۰ جهت‌گیری این کشور به سوی اتحادیه اروپا معطوف شد و با گسترش مرزهای ناتو و اتحادیه اروپا به سوی شرق، ضرورت توجه به آن تقویت شد. در همان حال روابط با روسیه نیز مهم بود. پس از ۲۰۰۵ روند نزدیکی به اروپا سرعت یافت. نتایج انتخابات پارلمانی در این کشور، متغیر مهمی در این زمینه بود. رهبران مولداوی برای اجرایی کردن دگرگونی‌های موردنظر اروپا، با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو شدند (کولای، ۱۳۹۶: ۳۳۱).

در بررسی رابطه میان این دو بازیگر، باید توجه داشت که روابط طرفین براساس ساختارهای اروپایی به پیش رفته است. از سال ۲۰۰۴ این کشور، عضو سیاست همسایگی اروپا^۳ شد. در سال ۲۰۰۹ ائتلاف برای همگرایی اروپا^۴ به رهبری ولاد فیلات^۵ قدرت را در دست گرفت. از این سال تمایل مولداوی به غرب بیشتر شد. در همین سال بود که مولداوی در کنار گرجستان، ارمنستان، آذربایجان، بلاروس و اوکراین، وارد سیاست مشارکت شرقی^۶

-
1. Transnistria
 2. Vladimir Vornin
 3. ENP: European Neighborhood Policy
 4. AEI. متشکل از احزاب لیبرال دموکرات، حزب دموکراتیک مولداوی و لیبرال
 5. Vlad Filat
 6. EaP: Eastern Partnership

شد. تأکید کمیسیون اروپا بر اجرای برنامه‌های بوروکراتیک با هدف افزایش نفوذ اصلاح‌طلبان اروپامحور در مولداوی، بر مبنای تجارت آزاد و ارزش‌های اروپایی پیش رفت. به نظر می‌رسد با این روابط تنگاتنگ، مولداوی کاملاً با استانداردهای اروپایی منطبق شده باشد؛ اما واقعیت چنین نیست.

ارزیابی پیشرفت مولداوی در قالب سیاست همسایگی اروپا و به‌ویژه مشارکت شرقی، نشان می‌دهد که مولداوی از تمامی کشورهای دیگر حاضر در این سیاست، در اجرای ارزش‌های اروپایی موفق‌تر بوده است. دلیل انتخاب این کشور برای مطالعه نیز همین است. در نتیجه، این کشور پادشاه‌های زیادی از اتحادیه اروپا دریافت کرده است. سیاست همسایگی اروپا مشتمل بر طرحی جامع است که در تصویر زیر می‌توان مشاهده کرد.



شکل ۱. طراحی سیاست همسایگی اروپا

منبع: Emerson, 2019:10

با وجود اصلاحات اروپامحور در مولداوی، این شاخص‌ها به‌طور موفقیت‌آمیزی اجرا نشده‌اند. دلایل متعددی برای محدود بودن اثر این شاخص‌ها وجود دارد که مهم‌ترین آنها، نوع رژیم سیاسی مولداوی و فضای بی‌ثبات آن از یک سو و کارشکنی روسیه از سوی دیگر است. بی‌شک سیاست همسایگی اروپا در معرض انتقادهای جدی قرار دارد. برخی به‌دلیل شرایط متزلزل اتحادیه اروپا معتقدند که سیاست همسایگی اروپا و به‌طور مشخص مشارکت شرقی شکست خورده است. اما فراتر از این انتقادات، مهم است که انتظارات از سیاست مشارکت شرقی را مشخص کنیم. پژوهش حاضر این فرضیه را می‌آزماید که سیاست همسایگی اروپا در قالب اصل مشروط بودن و اصل جامعه‌پذیری، سبب اعمال فشارهایی در جهت اجرای اصلاحات اقتصادی و سیاسی در مولداوی شده است؛ اما تأثیر توسعه‌ای این سیاست‌ها سطحی

و غیرفراگیر بوده است. برای آزمون این فرضیه از نظریه اروپایی شدن^۱، ارائه شده توسط فرانک شیملفنینگ^۲ استفاده شده است.

۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری این نوشتار برگرفته از نظریه اروپایی شدن شیملفنینگ است. اروپایی شدن نظریه جدیدی نیست، بلکه رویکردی است که امکان هماهنگی مفاهیم موجود، برای انجام پژوهش در علوم سیاسی را در اختیار ما قرار می‌دهد. بنابراین این نظریه، فرایندمحور است، نه نتیجه‌محور. تعاریف متعددی برای اروپایی شدن ارائه شده است. ردیلی^۳ یکی از تعریف‌های شناخته شده را ارائه کرده است. طبق تعریف وی، اروپایی شدن، مجموعه‌ای از فرایندهای ساخت، برساخت و نهادینه کردن قواعد رسمی و غیررسمی، روندها، پارادایم‌ها و شیوه‌های انجام امور است. در این مسیر، عقاید و هنجارهای مشترکی که اولین بار توسط اتحادیه اروپا تعریف شده‌اند، وارد گفتمان‌های داخلی، هویتی، ساختارهای سیاسی و تصمیم‌گیری کشورها می‌شوند (Radaelli, 2000:3).

وینک و گرازیانو^۴ نیز تعریف مهم دیگری را ارائه کردند که پذیرش بیشتری یافت و در آن اروپایی شدن به‌مثابه فرایند پذیرش داخلی همگرایی اروپایی معنا شد (Graziano & Vink, 2013:32). اروپایی شدن، منتج از تغییرات داخلی در نظریه همگرایی است. ادبیات مربوط به اروپایی شدن بر انگاره کاربست ترجیحات اتحادیه اروپا در سطح داخلی تأکید دارد و برخلاف سایر نظریه‌های همگرایی بر منابع دولتی و داخلی تصمیم‌گیری در اتحادیه اروپا و نتایج آن بر نهادها و سیاست‌های این سازمان تأکید می‌کند. فرایند همگرایی اروپایی، نقش مهمی در دموکراتیزه کردن کشورهای پسا شوروی ایفا کرده است. مدل لیبرال‌دموکرات اروپا الگوی موفق‌تری برای این کشورها بوده است. بنابراین دموکراتیزه کردن و اروپایی شدن به‌مثابه پذیرش داخلی فرایند همگرایی اروپایی نگریسته می‌شود (Timus, 2010:1). مولداوی نیز مثل سایر کشورهای اروپای شرقی، در قالب فرایند همگرایی اروپایی از دهه ۱۹۹۰ به سوی توسعه حرکت کرد.

این جهت‌دهی نهادی، سبب ایجاد فشارهایی در سطح ملی شد. درجه فشارهای انطباقی^۵ منتج از اروپایی شدن، به میزان تناسب یا عدم تناسب میان نهادهای اروپایی و ابزارهای داخلی وابسته است. هرچه میزان انطباق کمتر باشد، میزان فشارها افزایش می‌یابد و این سبب تغییرات

-
1. Europeanization
 2. Frank Schimmelfenning
 3. Radaelli
 4. Vink & Graziano
 5. Adaptational Pressures

داخلی در سطح ملی کشور هدف می‌شود (Graziano & Vink, 2013: 41). در شرایطی که سطح فشارها بالا باشد، وجود متغیرهای میانجی برای تغییر الزامی است. این متغیرها شامل امتیاز و توچندگانه، نهادهای رسمی میانجی، فرهنگ سیاسی، سطح توانمندی بازیگران و فرایند یادگیری است (Graziano & Vink, 2013: 41). در قالب سیاست همسایگی اروپا، اروپایی شدن، مربوط به توانایی اتحادیه اروپا برای اعمال فشار هنجاری، در جهت توسعه کشور هدف است.

از دید شیملفنینگ، اروپایی شدن با دو منطق به پیش برده می‌شود؛ منطق پیامدی^۱ که نتیجه مستقیم آن مشروط بودن و نتیجه غیرمستقیم آن خارجی سازی است و منطق تناسب^۲ که نتیجه مستقیم آن جامعه‌پذیری و نتیجه غیرمستقیم آن تقلید است (Schimmelfennig & Sedelmeier, 2005:66). شیملفنینگ توضیح می‌دهد که در منطق پیامدی، تأثیرگذاری، وابسته به اندازه و اعتبار پاداش و مجازات وضع شده توسط نهاد هنجاری و امتیاز حق و تو و هزینه‌های انطباق در داخل کشور است (Schimmelfennig, 2012:8). در مقابل در منطق تناسب، بازیگران برای هنجارها و قواعد جامعه تحریک می‌شوند و مدل نظری سازه‌انگاران‌ای شکل می‌گیرد که فراتر از چانه‌زنی می‌رود. براساس این منطق، بازیگران با قوانین متناسب با رفتار نمونه به پیش رانده می‌شوند (Börzel & Risse, 2009:10). در نتیجه در این پژوهش با پیامدهای مستقیم هر دو منطق سروکار داریم.



شکل ۲. الگوی استنتاجی اولیه

منبع: نگارنده

مشروط بودن را می‌توان یک مدل چانه‌زنی عقلانی دانست که زمانی کاربرد دارد که شروط، دائمی و معتبرند و هزینه‌های انطباق پایین است. در چارچوب مشروط بودن، اتحادیه اروپا شرایطی را برای کشورها وضع می‌کند که مبادلات به‌عنوان پاداش تلقی می‌شوند. مشروط بودن یک مدل چانه‌زنی انتخاب عقلانی است و حداکثر رساندن سود بازیگران را دنبال می‌کند. در این مدل، نتیجه تغییر استراتژیک میان بازیگران، مشروط به قدرت چانه‌زنی آنهاست. در واقع اینجا نوعی تقارن قدرت میان بازیگر خارجی و کشور هدف، شکل می‌گیرد (Schimmelfennig, 2012: 4). در سیاست همسایگی، مشروط بودن، خود را در لباس تمایز نشان

1. Logic of Consequentiality
2. Logic of Appropriateness

می‌دهد؛ یعنی سود اروپایی شدن سبب پذیرش استانداردها می‌شود و این تمایز، مبتنی بر تعهد آنها به ارزش‌های مشترک است. مهم‌ترین شاخص‌های مشروط بودن عبارت‌اند از موافقت‌نامه‌های دوجانبه، کمک‌های اتحادیه اروپا، رژیم تجاری و لغو روادید.

جامعه‌پذیری را می‌توان بر مبنای رویکرد سازه‌نگارانه تبیین کرد. این منطق، زمانی مطرح می‌شود که پذیرش هنجارهای اروپایی به دلیل تناسب آن است. این فرایند بلندمدت، مبتنی بر اندرکنش مداوم میان نخبگان سیاسی جامعه هدف و مردم، برای پذیرش ارزش‌ها و استانداردهای اروپایی است. در جریان جامعه‌پذیری، هویت‌سازی در سطح فراملی، سبب پیوند احساسی می‌شود که می‌تواند با منافع آمیخته شود. این تعهد جدید، نخبگان را به سوی حمایت از نظام نهادی و نقش تشویق می‌کند. تأکید بر این فن‌سالاری فراملی و عمل‌گرایی، سبب تضعیف نقش عناصر ملی غیرمنعطف می‌شود (Grunhut, 2017:159). در این چارچوب، اتحادیه اروپا مایل به ارتقای ایده‌های اروپایی، ارزش‌ها و هنجارها از طریق تشویق کشورها به اجرای آنهاست. جامعه‌پذیری در اتحادیه اروپا به صورت سلسله‌مراتبی رخ می‌دهد. در مدل نظری شیملفینینگ، ابزار جامعه‌پذیری عبارت‌اند از: نقش‌آفرینی، تعقیب هنجاری و نفوذ اجتماعی (Schimmelfennig, 2005:7).

- نقش‌آفرینی را تقلید^۱ یا شبیه‌سازی نیز می‌نامند. جامعه‌پذیری به تقلید از رفتار طرف مقابل منجر می‌شود و در واقع این رفتارها به‌عنوان یک الگو عمل می‌کنند (Checkel, 2005:811).

- در تعقیب هنجاری که استدلال یا اقتناع^۲ نیز نامیده می‌شود، هنجارها درونی می‌شوند.
- در نهایت منظور از نفوذ اجتماعی نیز استفاده از پاداش‌های اجتماعی (منزلت) و مجازات (انزوا) است.

مکانیسم غالب جامعه‌پذیری در سیاست همسایگی اروپا، تعقیب هنجاری و نفوذ اجتماعی است. اتحادیه اروپا شرکای خود را هنگام مذاکره قانع می‌کند تا هنجارهای اروپایی را بپذیرند. در واقع، در سیاست همسایگی، اتحادیه اروپا به همکاری با شرکای خود برای توسعه داخلی آنها می‌پردازد. در این مسیر، پیشنهاد پاداش‌هایی چون همگرایی اقتصادی با اروپا، بهبود وضعیت رفاه، کمک مالی و فنی و... را می‌دهد.

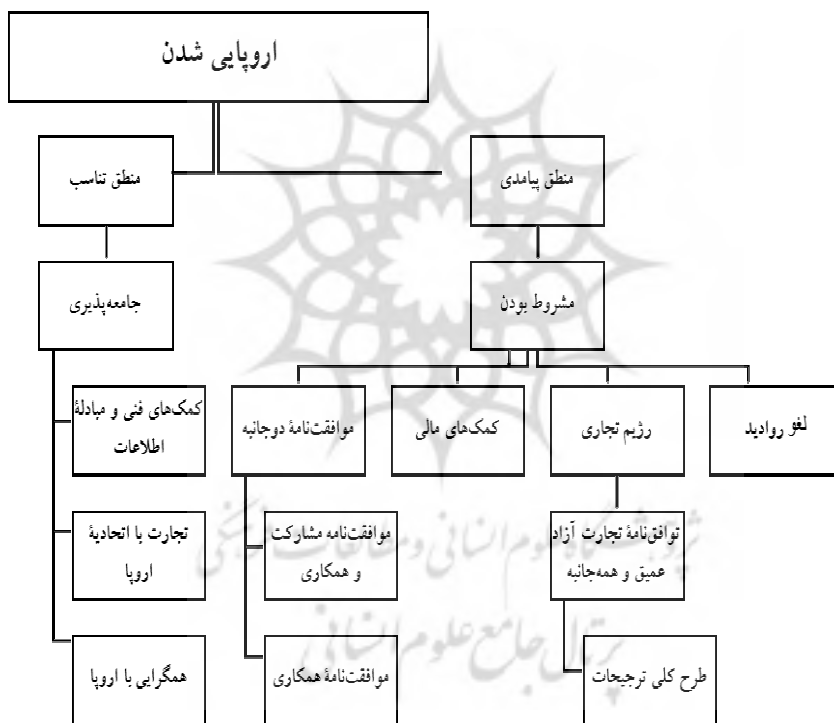
اتحادیه اروپا انتظار دارد که کشورهای همسایه به ازای پاداش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از استانداردهای او تبعیت کنند و بدین‌منظور هر دو سازوکار مشروط بودن و جامعه‌پذیری را به‌کار می‌بندد. در مولداوی، بارها به‌وسیله موافقت‌نامه مشارکت و همکاری^۳،

1. Imitation or Emulation

2. Argumentation or Persuasion

3. PCA: Partnership & Cooperation Agreement

موافقت‌نامه همکاری^۱ و موافقت‌نامه تجارت آزاد عمیق و همه‌جانبه^۲ از این سازوکار استفاده شده است. در عین حال، اتحادیه به‌دنبال نفوذ بر مولداوی از طریق ارزیابی عملکرد آن به‌واسطه گزارش‌ها، تحسین عملکرد مثبت و محکوم کردن عملکرد منفی است. در همین زمینه کمیسیون اروپا سالانه گزارش‌هایی را در مورد میزان پیشرفت تمامی کشورهای حاضر در این سیاست و از جمله مولداوی منتشر می‌کند. این گزارش‌ها دارای سه بخش سیاسی، اقتصادی و حقوقی است (Vassileva, 2016: 6). مهم‌ترین شاخص‌های جامعه‌پذیری از دید شیملفنینگ عبارت‌اند از: کمک‌های فنی و مبادله اطلاعات^۳، همکاری‌های نهادی، تجارت با اتحادیه اروپا و همگرایی با اتحادیه اروپا (Schimmelfennig & Scholtz, 2010:445). از مجموع آنچه ذکر شد، برای طراحی مدل نظری پژوهش و آزمون فرضیه می‌توان گراف زیر را ترسیم کرد.



شکل ۳. مدل نظری پژوهش

منبع: نگارنده

1. AA: Association Agreement
2. DCFTA: Deep & Comprehensive Free Trade Agreement
3. TAIEX: Technical Assistance & Information Exchange

۳. ساختارهای پایه جمهوری مولداوی

به دلیل ناشناخته بودن مباحث مربوط به مولداوی در ایران، ابتدا شمه‌ای از ویژگی‌ها و ساختارهای این کشور توضیح داده شده و بعد به مبحث اصلی می‌پردازیم. وقتی نام اروپای شرقی می‌آید، ناخودآگاه همه چیز تحت‌الشعاع میراث شوروی قرار می‌گیرد؛ گویی پیش از شوروی، اروپای شرقی در کره خاکی وجود نداشته است. حتی اکنون که قریب به ۳۰ سال از دوران شوروی می‌گذرد، تغییری در این رویکرد به وجود نیامده است. مولداوی نیز از این قانون کلی، مستثنا نیست. این در حالی است که تک‌تک کشورهای این منطقه، دارای هویت و تاریخ کهن و البته ماقبل شوروی و مستقل از آن هستند.

نام تاریخی مولداوی، بسارابیا^۱ بود. منطقه بسارابیا، از شرق به رودخانه دنیستر^۲ و از غرب به رودخانه پروت^۳ محدود می‌شد. از دیدگاه امانوئل دومارتن، استاد دانشگاه سوربن، مسئله هویت‌یابی در مولداوی به دوره بسارابیا باز می‌گردد (King, 1999: 8). مولداوی از قرن چهاردهم به بعد، به صورت مداوم میان امپراتوری‌های مختلف دست به دست شد. در سال‌های ۱۵۳۸-۱۸۱۲، این کشور تحت تصرف امپراتوری عثمانی بود و در سال ۱۸۱۲ ضمیمه خاک روسیه تزاری شد. در سال ۱۹۱۸ و با تولد رومانی، این کشور ملحق شد. این در حالی بود که قسمت کوچکی از آن در اوکراین امروزی و ترانسنیستریا^۴، تحت حاکمیت شوروی قرار گرفتند. در پی قرارداد مولوتف-ریبن-تروپ در سال ۱۹۳۹، میان شوروی و آلمان نازی، شوروی توانست منطقه بسارابیا را به‌عنوان پاداش به چنگ آورد. در نتیجه، جمهوری خلق سوسیالیستی مولداوی تأسیس شد. غیر از مولداوی، سرنوشت لتونی، لیتوانی و استونی نیز در این معاهده رقم خورد. بعد از جنگ جهانی دوم، ساختار قومی مولداوی، تغییر کرد. قومیت رومانی‌تبار که بیشتر از طبقه بالا و متوسط جامعه بودند، به رومانی بازگشتند و مهاجران زیادی از سایر جمهوری‌های شوروی به‌عنوان کارگر وارد مولداوی شدند (VanSeeters, 2010: 31).

در زمان گورباچف که مولداوی خواهان استقلال از شوروی شد، دو منطقه ترانسنیستریا و گاگانوزیا^۵ مخالفت کردند. پس از سقوط شوروی در ۱۹۹۱، اعلامیه استقلال مولداوی صادر شد. بسیاری می‌پنداشتند که مولداوی به‌صورت خودکار به رومانی ملحق خواهد شد؛ اما هیچ‌گاه چنین نشد. در سال ۱۹۹۴، قانون اساسی این کشور تصویب شد و از سال ۲۰۰۰ به نظام دموکراسی پارلمانی تغییر ماهیت داد. در سال ۱۹۹۲، منازعه میان کیشناو^۶ و منطقه

1. Bessarabia
2. Dniester
3. Prut
4. Transnistria
5. Gagauzia
6. Chişinău

جدایی طلب ترانسنیستریا آغاز شد. از این تاریخ به بعد، مولداوی به دو پاره (جمهوری مولداوی و منطقه خودگردان ترانسنیستریا) تقسیم شد. در روند توسعه سیاسی این کشور شکاف سه گانه قومی کیشناو-ترانسنیستریا-گاگائوزیا را نمی توان نادیده گرفت. منطقه گاگائوزیا، متشکل از ترک تبارهای مسیحی ارتدوکس است. آنها به زبان ترکی اوغوزی صحبت می کنند. این منطقه در سال ۱۹۹۴ تأسیس شد. گرایش آنها بیشتر به سوی روسیه است تا اتحادیه اروپا. تنش هایی میان حکومت مرکزی و منطقه خودمختار گاگائوزیا وجود دارد که علت اصلی آن فقدان شفافیت در روابط است. در فوریه ۲۰۱۴ یک همه پرسی در مورد گرایش های سیاست خارجی مولداوی در این منطقه برگزار شد که اکثریت به نفع همگرایی با روسیه رأی دادند (Secieru, 2014: 5). البته کیشناو این همه پرسی را غیرقانونی خواند. کیشناو برای تضعیف منطقه تلاش می کند مشکلات سیاسی و اقتصادی آن را بزرگتر از آنچه هست، جلوه دهد. حتی اتحادیه اروپا نیز به عنوان مهم ترین شریک تجاری این منطقه، سعی در کاهش تنش دارد. ترانسنیستریا، دیگر معمای سیاسی این کشور است که هنوز لاینحل باقی مانده است. به طور کلی می توان مهم ترین ویژگی های این کشور را در جدول ۱ خلاصه کرد:

جدول ۱. ویژگی های کلی جمهوری مولداوی

جمعیت	۳/۵۵۰ میلیون نفر
زبان	۷۹ درصد رومانیایی و ۱۵ درصد روسی
قومیت	۷۵ درصد مولداویایی، ۷ درصد رومانیایی، ۷ درصد اوکراینی، ۵ درصد گاگائوز، ۴ درصد روس و ۲ درصد بلغار
مذهب	۹۰ درصد مسیحیت ارتدوکس و ۳ درصد سایر شاخه های مسیحیت
تولید ناخالص داخلی	۱۱،۴ میلیارد دلار
کالاهای صادراتی	ماشین آلات برقی، دانه های روغنی، حبوبات و آجیو

منبع: (CRS, 2020:3)

به لحاظ ساختار اقتصادی، مولداوی فقیرترین کشور اروپایی است. این کشور دارای آب و هوای مناسب و کشاورزی غنی است؛ اما معادن اندکی دارد. در نتیجه اقتصاد به شدت به کشاورزی وابسته است. در برنامه ای که حکومت مولداوی از نقشه صنعتی کشور ارائه کرد؛ اولویت های اقتصادی مناطق مختلف به شرح ذیل تعریف شد:

جدول ۲. اولویت‌های اقتصادی مولداوی برحسب مناطق

شمال	سیمان، تجهیزات الکترونیکی، سیم
مرکز	صنایع چوب، نساجی، دارو و سیمان
جنوب	کشاورزی و صنایع غذایی، تولید گاز
گاکائوزیا	کشاورزی، پتروشیمی، شیشه‌سازی و تولید گاز
کیشناو	کاغذسازی، مواد شیمیایی، ماشین‌آلات، مبلمان، خدمات تجاری و بازاریابی

منبع: EC, 2018d:6

به‌طور کلی گذشته مولداوی سبب شده است که این کشور در تنگنای اقتصادی و سیاسی مهبیی گرفتار شود. روسیه روابط گسترده‌ای با تجار و سیاستمداران این کشور دارد و مجهز به اهرم‌هایی مانند تحریم تجاری، بسیج عمومی و انحصار دوفاکتو در عرصه انرژی است (Montesano, Vander Togt, Zweers, 2016: 21). به همین دلیل هرگونه موفقیت استراتژیک اتحادیه اروپا، وابسته به توانایی‌اش برای متنوع‌سازی واکنش در برابر مناطق مختلف قاره. برای مثال در بخش انرژی، اتحادیه اروپا باید از تاکتیک‌های صبر استراتژیک بهره‌برد و نه اینکه به‌دنبال اروپایی شدن سریع بر مبنای شروط متعدد باشد. نوآوری‌هایی مانند راه‌اندازی سیستم‌های زیست‌توده و زمین‌گرمایی می‌تواند به کاهش نفوذ روسیه منجر شود. حال با در نظر گرفتن تمامی این ملاحظات در مورد مولداوی، وارد بحث اصلی مقاله می‌شویم.

۴. مشروط بودن

همان‌طور که اشاره شد، سیاست همسایگی اروپا، بحث‌های مربوط به مشروط بودن را به‌عنوان یک ابزار اصلاحی و موتور محرکه تغییر در مولداوی مطرح می‌کند. سیاست مشروط بودن اتحادیه اروپا برای مولداوی از شعار «بیشتر برای بیشتر و کمتر برای کمتر» تبعیت می‌کند؛ یعنی مکانیسم پاداش و مجازات در آن بسیار محسوس است. برای مثال اتحادیه اروپا حمایت مالی خود از مولداوی را بعد از امضای موافقت‌نامه همکاری افزایش داد، اما هر جا مولداوی از اجرای استانداردها عدول کرد، اتحادیه اروپا نیز عقب کشید. همان‌طور که اشاره شد، مهم‌ترین شاخص‌های مشروط بودن از دید شیملفنینگ عبارت‌اند از: موافقت‌نامه‌های دوجانبه، کمک‌های اتحادیه اروپا، رژیم تجاری و لغو روادید.

الف) موافقت‌نامه‌های دوجانبه: شیملفنینگ معتقد است که انواع مختلف موافقت‌نامه‌های دوجانبه، روابط میان اتحادیه اروپا و دولت سوم را مدیریت کرده و سطوح مختلفی از اعتبار را در این کشورها منعکس می‌کند (Schimmelfennig & Scholtz, 2010: 448). تمامی این موافقت‌نامه‌ها مشروط به اجرای اصلاحات از سوی مولداوی هستند. بر همین اساس می‌توان

از موافقت‌نامه مشارکت و همکاری و موافقت‌نامه همکاری نام برد. موافقت‌نامه مشارکت و همکاری در سال ۱۹۹۴ امضا شد و در سال ۲۰۱۶ به اتمام رسید. شروع این موافقت‌نامه در قالب سیاست همسایگی نبود؛ اما ادامه حیات آن در خلال آن معنا یافت و بازنگری شد (Wolfswenger, 2019). اولویت‌های اصلی شناسایی شده در موافقت‌نامه مشارکت و همکاری عبارت بود از تلاش برای حل منازعه ترانسنیستریا، تقویت نهادهای دموکراتیک، تضمین آزادی رسانه‌ها، تقویت نظام حقوقی، مدیریت مرزی مؤثر و مدیریت مهاجرت از مولداوی به اتحادیه اروپا (VanSeeters, 2010:49). به عبارتی این توافق دربردارنده قوانین مبتنی بر احترام به حاکمیت قانون و دموکراتیزه کردن بود. اما شاخص‌های اجرایی آن بسیار مبهم و بیشتر تحت تأثیر موج دموکراتیزه‌سازی پساشوروی در سال ۲۰۰۰ قرار داشت (DelMedico, 2014: 21) تا در نهایت، تدقیق آن در موافقت‌نامه همکاری صورت پذیرفت.

در سال ۲۰۱۴ اتحادیه اروپا و مولداوی یک موافقت‌نامه همکاری گسترده را با یکدیگر به امضا رساندند. این موافقت‌نامه از جولای ۲۰۱۶ پس از سررسید تاریخ موافقت‌نامه مشارکت و همکاری، اجرایی شد. با امضای این توافق، مولداوی متعهد به اصلاح سیاست‌های داخلی خود بر مبنای قوانین اتحادیه اروپا شد. نقشه راه برای اجرای موافقت‌نامه در آگوست ۲۰۱۷ امضا شد که ۱۳ اولویت اصلی را در برمی‌گرفت (Damen, 2019). این موافقت‌نامه دربردارنده حمایت افقی از جامعه مدنی، ارتباطات مشترک و ظرفیت‌سازی نهادی است. براساس این سند، اتحادیه اروپا از مولداوی در رسیدن به اهداف مندرج با مبادله اطلاعات، حمایت از توسعه اقتصادی، کمک مالی و نهادسازی حمایت خواهد کرد. همچنین عناصر سیاسی مانند گفت‌وگوهای سیاسی، استقلال نهاد قضا، نظارت بر حقوق بشر، حل منازعه صلح‌آمیز و همکاری‌های بخشی نیز مورد تأکید قرار گرفت (Morari, 2016:417). اتحادیه اروپا شروط زیادی برای بهره‌مندی مولداوی از امکانات این موافقت‌نامه گذاشته است. از سال ۲۰۱۶، شورای اروپا درخواست اصلاحاتی را از جمهوری مولداوی کرد که به معنای قرار دادن شرط‌های بیشتر بر این کشور بود. این شرایط جدید عبارت بودند از:

- اعتمادسازی؛
- تسریع اجرای موافقت‌نامه همکاری؛
- اولویت به اصلاحاتی که هدفشان بهبود ساختار اداری و افزایش شفافیت سیاسی و

نظام بانکی است (Gromadzki, 2015:6).

ب) **کمک‌های اتحادیه اروپا:** در قالب ابزارهای همسایگی اروپا یک برنامه تأمین مالی، ویژه مولداوی برای سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۲۰ تدوین شد. برای مثال اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷، مبلغ ۵۶ میلیون یورو را به پروژه‌هایی مانند حمایت از توانمندسازی شهروندان برای مشارکت

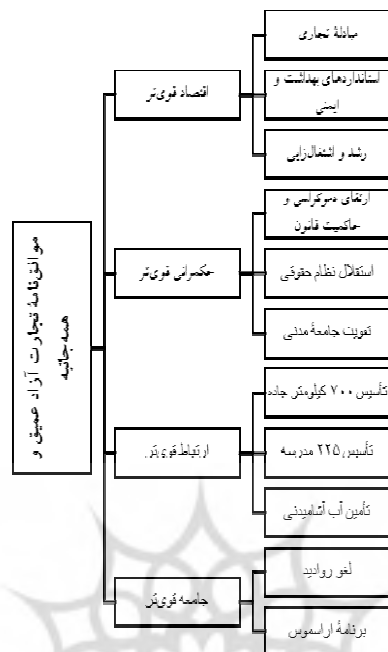
محلی و تصمیم‌گیری اختصاص داد (Wolfswenger, 2019). حمایت از مولداوی تحت ابزارهای سیاست همسایگی، کمک ۴۱۰ میلیون یورویی برای بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۱۷ را نیز شامل می‌شود. کمک مالی اتحادیه اروپا در حوزه کشاورزی نیز در طرحی کلان، تحت عنوان «برنامه نهادسازی جامع»^۱ تدوین شده است. در این برنامه حدود ۴۱ میلیون یورو در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۴ به این بخش اختصاص داده شد (Brown, 2015:18). اروپا این کمک‌ها را برای جلب نظر کشاورزان آسیب‌دیده از تحریم‌های روسیه اختصاص داد. اتحادیه اروپا برای برنامه تماس‌های مردمی نیز مبلغ ۳۰ میلیون یورو اختصاص داده است (Brown, 2015:28).

برنامه جدید اتحادیه اروپا برای ۲۰۱۷-۲۰۲۰ نیز به مقدار ۲۸۴ میلیون یورو تصویب شد که ناظر بر اصلاحاتی در بخش‌های مربوط به توسعه و گشایش بازار، تقویت نهادها و حکمرانی خوب، انرژی کارا و تغییر اقلیم بود (Damen, 2019). یکی دیگر از کمک‌هایی که کمیسیون اروپا برای مولداوی تصویب کرد، کمک‌های مالی کلان^۲ بود. اولین قسط این کمک‌ها در جولای ۲۰۱۸ به این کشور اعطا شد؛ اما پس از بحران سیاسی در کیشناو، ادامه آن بلوکه شد (Damen, 2019)؛ اما از سال ۲۰۱۹ پرداخت آن مجدد از سر گرفته شد. در بسته مالی ۲۰۱۹، ۴/۴۲ میلیون یورو به حوزه انرژی، جامعه مدنی و راه‌اندازی شهر کاهول^۳ اختصاص داده شد (EC, 2020).

تاکنون بانک سرمایه‌گذاری اروپا^۴ در ۱۴ پروژه به ارزش ۵۵۰/۵۵۷ میلیون دلار در این کشور مشارکت کرده است (Chirila, 2015:57). همکاری مولداوی با این نهاد از سال ۲۰۰۷ آغاز شد. این بانک در زیرساخت جاده‌ها، امنیت انرژی و صنعت شراب مولداوی سرمایه‌گذاری کرده است. در سال ۲۰۱۹ بانک سرمایه‌گذاری اروپا ۲۵ میلیون یورو وام برای حمایت از پروژه‌های مربوط به استراتژی مدیریت پسماند در مولداوی اختصاص داد (EIB, 2020).

ج) رژیم تجاری: در جولای ۲۰۱۶، موافقت‌نامه همکاری به ایجاد منطقه آزاد تجاری منجر شد، یعنی موافقت‌نامه همکاری، حاوی موافقت‌نامه تجارت آزاد عمیق و همه‌جانبه است که برای همکاری سیاسی بیشتر و همگرایی اقتصادی میان اتحادیه اروپا و مولداوی تدوین شده است. رژیم تجاری حاکم میان طرفین را همین موافقت‌نامه تعیین می‌کند. در شکل ۴ می‌توان مبنای چهارگانه این سیاست را مشاهده کرد.

1. CIB: Comprehensive Institution Building Programme
2. MFA: Macro-Financial Assistance
3. Cahul
4. EIB: European Investment Bank



شکل ۴. مبنای موافقت‌نامه تجارت آزاد عمیق و همه‌جانبه
منبع: Facts&Figuers, 2020

انعقاد این موافقت‌نامه تا حد زیادی به نفع صنایع کفش، آی تی و نساجی بوده است (Brown, 2015:19). البته ناگفته نماند که اجرای این رژیم تجاری در داخل مولداوی نیز مخالفانی داشته است. برای مثال در انتخابات سال ۲۰۱۴، احزاب پاتریا، سوسیالیست و کمونیست، کمپینی علیه آن به راه انداختند (Brown, 2015:19). این موافقت‌نامه در بلندمدت به رشد ۴/۵ درصدی در تولید ناخالص داخلی مولداوی منجر شده است (Morari, 2016:416). این رژیم تجاری سبب آزادسازی تجارت کالا و خدمات، استانداردهای بهداشتی، برداشتن موانع مرزی و انعقاد موافقت‌نامه تجارت آزاد ضمیمه‌ای با ترکیه شد. در صورت اجرای کامل این رژیم تجاری تا سال ۲۰۲۶ تولید ناخالص داخلی مولداوی ۶/۷ درصد افزایش خواهد یافت. اگر مولداوی قادر به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری در قالب آن شود، تأثیر این رشد به ۸/۹ درصد خواهد رسید (WorldBank, 2020:7).

ناگفته نماند با اینکه جذب سرمایه در بخش تجاری اولویت اصلی اتحادیه اروپاست، جذب در صنایع پایین‌دستی و خدمات نیز بسیار مهم است. مولداوی، پیشرفت‌هایی در

اصلاحات اقتصادی برای انطباق با شروط اتحادیه اروپا داشته است. برای مثال حرکت آزادانه کالا، قوانین فنی، گمرکی، استانداردهای بهداشتی و گیاهی و قوانین مربوط به شرکت‌ها بهبود یافته است؛ اما فضای سرمایه‌گذاری در این کشور همچنان نامطلوب است. فصل چهارم از موافقت‌نامه همکاری به توسعه اقتصادی مولداوی اختصاص دارد. مهم‌ترین پیشران‌ها در این عرصه توجه بر حوزه‌های فنی از طریق اصلاح نظام مالیاتی و خدمات مالی و حسابرسی از یک سو و رسیدگی به وضعیت فقر (با توجه به اینکه ۲۶ درصد مردم فقیرند) از سوی دیگر است. ۳۰ درصد از بودجه ابزارهای سیاست همسایگی به توسعه روستایی اختصاص داده شده است. در این زمینه، مولداوی دستورالعمل ملی کشاورزی و توسعه روستایی را تدوین کرد (Montesano, Vander Togt, Zweers, 2016, :11).

در مورد بخش انرژی نیز این کشور در سال ۲۰۱۴ از طریق خط لوله یاس-اونگن^۱ به لحاظ فیزیکی به بازار انرژی اروپا متصل شد، هرچند این کار اثری بر کنترل انحصار روسیه در بازار انرژی این کشور نداشت. با اینکه مولداوی از سال ۲۰۱۰ عضو جامعه انرژی اروپا شد؛ اما بعد از اعمال فشار روسیه بر سر بدهی ترانسینستریا به گازپروم، اجرای کامل سومین بسته انرژی اروپا تا سال ۲۰۲۰ به تأخیر افتاد (Montesano, Vander Togt, Zweers, 2016:11). به‌علاوه اتحادیه اروپا متعهد به حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط مولداوی شده است. در می ۲۰۱۵، در مجمع کسب‌وکار مشارکت شرقی در ریگا، کمیسیون اروپا، امکانات موافقت‌نامه تجارت آزاد عمیق و همه‌جانبه برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را مشخص کرد. بودجه حمایتی اتحادیه ۲۰۰ میلیون یورو بود.

د) لغو روادید: اشتغال در اروپا، همواره برای مولداویایی‌ها گزینه جذابی بود و اتحادیه اروپا به‌خوبی از این جذابیت بهره گرفت. در سال ۲۰۱۲، بعد از تصویب قانونی که به شهروندان مولداوی امکان دریافت روادید رومانیایی را می‌داد، حدود ۴۰۰۰۰ نفر توانستند شهروندی مضاعف دریافت کنند (DelMedico, 2014: 26). در آوریل ۲۰۱۴ مولداوی موافقت‌نامه لغو روادید با اتحادیه اروپا امضا کرد که هدف آن تسهیل رفت‌وآمد، سفر، فعالیت‌های اقتصادی، شبکه‌سازی و رابطه مردم با مردم بود. پس از آن، تماس‌های سطح بالا میان اتحادیه اروپا و مولداوی افزایش یافت (Fontana, 2015:2). مولداوی اولین کشوری بود که در ذیل طرح مشارکت شرقی از این امتیاز بهره برد. تعداد مسافرت‌های هوایی فرودگاه کیشناو نیز از ۸۰۰۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۹ به ۷۰۰/۱ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ رسید (Popescu, 2015:1).

بر مبنای این سیاست، اجازه سفر بدون نیاز به روادید به مقصد منطقه شنگن برای تمامی شهروندان مولداوی فراهم شد. در نتیجه شهروندان مولداوی اکنون می‌توانند هر ۶ ماه به مدت ۳ ماه در منطقه شنگن حضور داشته باشند (Morari, 2016: 416). این سیاست سبب وسعت دید مردم مولداوی شد. آنها گشایش مرزهای اروپا را به معنای فرصت شغلی و تحصیلی بیشتر می‌بینند. شایان ذکر است که پیدا کردن شغل مناسب حتی با داشتن تحصیلات و هوش بالا در مولداوی دشوار است.

۵. جامعه‌پذیری

از دید شیملفنینگ، جامعه‌پذیری به‌مثابه قوت‌یابی مجدد اجرای مشروط بودن یا گسترش نهادینه ارزش‌ها تعریف می‌شود (Sasse, 2008:304). او معتقد است برخلاف منطق سنتی، اتحادیه اروپا به‌عنوان یک سازمان، مهم‌ترین نهاد جامعه‌پذیری است. اهداف جامعه‌پذیری با هویت جمعی و ارزش‌های اروپایی آمیخته است. مهم‌ترین شاخص‌های جامعه‌پذیری از دید او عبارت‌اند از: کمک فنی و مبادله اطلاعات، تجارت و همگرایی با اتحادیه اروپا.

الف) کمک‌های فنی و مبادله اطلاعات: یکی از بحران‌های جدی سیاسی در مولداوی، منازعه ترانسنیستریا است. اتحادیه اروپا به‌عنوان عضو مذاکرات ۲+۵ در روند حل این منازعه وارد شد. مهم‌ترین کمک فنی و اطلاعاتی اتحادیه اروپا در قالب مأموریت کمک‌مرزی اتحادیه اروپا^۱ برای مدیریت مرزی مشترک میان مولداوی و اوکراین بود. مأموریت کمک‌مرزی برای بستن ورودی ثروت به ترانسنیستریا طراحی شد. در این عملیات هم کمیسیون و هم شورای اروپا دخیل بودند. در پی درخواست مشترک مولداوی و اوکراین مبنی بر کمک و آموزش نیروهای مرزبان، اتحادیه اروپا ابتکار عمل را در دست گرفت. بیش از ۲۰ دولت عضو اتحادیه اروپا در این مأموریت مشارکت داشتند (Huff, 2011:19). در همکاری‌های علمی و فناوری نیز پیشرفت زیادی صورت گرفته است. مهم‌ترین پروژه در این زمینه، مشارکت شرقی پلاس^۲ است. آلمان و ایتالیا مهم‌ترین کشورهای همکار مولداوی در این حوزه هستند (Dorogi, David & Kardon, 2019: 4).

به‌طور تخصصی‌تر کمیسیون اروپا برنامه‌های کمک فنی و مبادله اطلاعات را اجرا می‌کند. این برنامه‌ها حول سه محور برگزاری کارگاه آموزشی، مأموریت مستشاری و بازدید علمی می‌چرخد. کارمندان دولت، تجار، اعضای مجلس و دانشگاهیان هدف این برنامه هستند (EC, 2020a). مهم‌ترین مصادیق آن عبارت‌اند از:

1. EUBAM: EU Border Assistance Mission
2. Eastern Partnership Plus

- کارگاه‌های آموزشی: شامل کارگاه تأسیس و ارتقای کنترل داخلی و جلوگیری از شرایط مصنوعی توسعه روستایی (۲۰۱۹)، کارگاه آموزش یکپارچگی سیستم مدیریت و کنترل، پیشگیری از کلاهبرداری و تعارض منافع (۲۰۱۶) و کارگاه آماده‌سازی برنامه توسعه راهبردی (۲۰۱۶).

- بازدید علمی: ظرفیت‌سنجی تولیدکنندگان ایتالیایی (۲۰۱۸).

- مأموریت مستشاری: حل مناقشه‌های مداوم اداری در بخش کشاورزی (۲۰۱۷)، کنترل نقطه‌ای (۲۰۱۶) و ظرفیت‌سازی نهادی (۲۰۱۳) (AIPA, 2020).

ب) تجارت با اتحادیه اروپا: پس از اعمال تحریم روسیه، روابط میان مولداوی و اتحادیه اروپا گسترش یافت. موافقت‌نامه تجارت آزاد سبب دستیابی تولیدکنندگان به بازار اتحادیه اروپا شد. در عین حال آزادسازی واردات به افزایش رقابت در بازار داخلی منجر شد. اما به لحاظ رشد اقتصادی، سیاست همسایگی اروپا تأثیر مطلوبی داشته است. میزان تولید ناخالص داخلی مولداوی در سال ۲۰۱۸، حدود ۳۱/۱۱ میلیارد دلار بود. این رشد را می‌توان در جدول ۳ مشاهده کرد.

جدول ۳. تولید ناخالص داخلی مولداوی به میلیارد دلار

۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶
۱۱/۶۸	۱۲	۱۱/۳۱	۹/۶۷	۸/۰۷

منبع: (a) TradingEconomics, 2020

کل صادرات مولداوی در سال ۲۰۱۸، ۶/۲۶۶ میلیون دلار و در سال ۲۰۱۹، ۳/۲۱۸ میلیون دلار بود. آمار بیانگر کاهش ۲ درصدی در صادرات این کشور است. واردات این کشور نیز ۷/۵۳۹ میلیون دلار است. واردات در سال ۲۰۱۹، رشد ۹/۳ درصدی داشته است. مشخص است که تراز تجاری این کشور منفی بوده و دارای کسری ۴/۳۲۱ میلیون دلاری است (CEIC, 2020). با وجود این پس از برقراری رژیم تجاری اروپایی، صادرات بخش نساجی افزایش داشته است. سایر صادرات مولداوی شامل میوه، سبزیجات، آجیو، ماشین‌های برقی و دانه‌های روغنی است. مهم‌ترین مقصد صادرات کالاهای مولداویایی، رومانی، ایتالیا، اوکراین و انگلیس است. در کل ۴۸/۶۷ درصد از صادرات مولداوی وارد اتحادیه اروپا می‌شود (UN, 2020). ۴۴/۴۳ درصد از کل واردات مولداوی نیز از اتحادیه اروپاست. مهم‌ترین واردات این کشور شامل نخ، دارو، اتومبیل و ماشین‌آلات است (Trading Economics, 2020). در جدول ۴ می‌توان تراز تجاری مولداوی-اتحادیه اروپا را قبل از شروع سیاست همسایگی و پس از اجرای موافقت‌نامه تجارت آزاد مشاهده کرد:

جدول ۴. موازنه تجاری مولداوی-اتحادیه اروپا

موازنه		صادرات		واردات	
۲۰۱۶	۲۰۰۶	۲۰۱۶	۲۰۰۶	۲۰۱۶	۲۰۰۶
-۵۷۸	-۵۴۱	۱۲۰۵	۴۲۶	۱۷۸۳	۹۶۷

منبع: (Eurostat, 2020)

همان‌طور که مشخص است، در اینجا با وجود افزایش حجم روابط، تراز تجاری مولداوی همچنان منفی است. منطقه صفر تجاری به صادرات بدون تعرفه و روان شدن سیل کالاهای اروپایی به مولداوی منجر شده است؛ اما بازارهای محلی ضعیف شدند و سبب کاهش سود آنها و فروپاشی اقتصاد محلی شد. واکنش مسکو را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. روسیه بلافاصله به تحریم مولداوی دست زد. مولداوی ساختار کشاورزی دارد. شهرت جهانی مولداوی به دلیل تاکستان‌های مرکز و جنوب کشور است. روسیه، شراب مولداوی را از سال ۲۰۰۶ تحریم کرده است و تنها بهانه‌اش رعایت نکردن استانداردهای بهداشتی بود. این مسئله تأثیر نامطلوب بر تراز تجاری مولداوی گذاشت. محصور بودن این کشور در خشکی نیز بر وضعیت تجاری آن اثر نامطلوب داشته است. به هر حال بیش از ۶۰ درصد صادرات مولداوی به سوی اتحادیه اروپا می‌رود و تنها ۸ درصد آن وارد روسیه می‌شود (Wolfswenger, 2019). مشکل دیگر تجارت مولداوی، کمبود نقدینگی بانک‌هاست. عواملی چون تصمیم بانک مرکزی مبنی بر تحت کنترل درآوردن بانک‌های تجاری^۱ و اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در این موضوع دخیل بودند (Fontana, 2015:3).

ج) میزان همگرایی با اتحادیه اروپا: همکاری اتحادیه اروپا و مولداوی در چارچوب سیاست همسایگی اروپا و سیاست مشارکت شرقی، در جهت تقریب و همگرایی بیشتر میان طرفین اجرا شده است. حکومت، دو راه برای نزدیک شدن به اتحادیه اروپا دارد: اول تأکید بر همکاری نهادهای دولتی و حزبی با اتحادیه اروپا و دوم اتخاذ موضع ژئوپلیتیک از سوی حکومت، مبنی بر مؤلفه‌های هویتی و جغرافیایی اروپایی مولداوی (Gerasymchuk, 2018:10). تأکید بر نظام آموزشی از مصادیق مهم تقریب به اروپاست. در واقع همگرایی با اتحادیه اروپا منبع مهم نوسازی نظام آموزشی و اجتماعی مولداوی است. از سال ۲۰۱۲، مولداوی به اصلاح گسترده دست زد و برنامه جدیدی به نام تاب‌آوری صفر^۲ را آغاز کرد. در این برنامه مبارزه با فساد آموزشی انجام گرفت و نیمی از دانش‌آموزان در مرحله اول امتحانات پایان ترم مردود

۱. ۳۰ درصد کل نقدینگی بانک‌ها در دست سه بانک تجاری Banca de Economii, Banca Sociala, Uni Bank است.

شدند. این نتیجه، شوک بزرگی برای جامعه مولداوی بود؛ اما جلوی ادامه تحصیل متقلبان را گرفت. گام دیگر در این حوزه، الکترونیکی کردن فرایند اداری آموزش و خروج آن از دست مدارس بود (Popescu, 2015:2).

در موافقت‌نامه همکاری برای جامعه‌پذیری بر مبنای تقریب و همگرایی با اتحادیه اروپا بر همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد نیز تأکید شده است. فعال‌ترین این سازمان‌ها عبارت‌اند از: آینده^۱، مؤسسه سیاست عمومی، مرکز تماس، بنیاد اروپای شرقی مولداوی، انجمن سیاست خارجی، انجمن مطبوعات مستقل، جوانان مولداوی و پرومو^۲. همین‌طور بستر ملی مولداوی^۳ در مجمع جامعه مدنی مشارکت شرقی نیز نوآوری‌هایی برای افزایش همکاری با اتحادیه اروپا انجام داده است. این بستر، در راستای گسترش ارزش‌های اروپایی، کارزاری برای آموزش امتیازات موافقت‌نامه همکاری به مردم ایجاد کرده است (Chirila, 2015:48).

۶. تأثیر مشروط بودن و جامعه‌پذیری بر توسعه سیاسی مولداوی

تأثیر دو شرط بررسی‌شده بر توسعه، به وجود تقارن قدرت وابسته است. تقارن قدرت، پدیده ثابتی نیست. در فرایند اروپایی شدن مولداوی، تقارن قدرت اتفاق نیفتاد و همین مسیر یکطرفه سبب شد تا اصلاحات و فشارهای انطباقی تنها به‌نوعی توسعه نیمه‌کاره در این کشور بینجامد. در خصوص استانداردهای سیاسی و اقتصادی معیار کپنهاگ، امتیاز مولداوی در میان شش کشور حاضر در سیاست مشارکت شرقی بعد از گرجستان و قبل از اوکراین قرار دارد، چراکه در حوزه دموکراسی کمترین امتیاز را بین سه کشوری که موافقت‌نامه تجارت آزاد را امضا کرده‌اند، به‌دست آورده است. مولداوی در استانداردهای حقوق بشر، بالاترین امتیاز را دارد. در مورد حاکمیت قانون و مبارزه با فساد مقام دوم و در حوزه آزادی اقتصادی بالاترین رتبه را دارد (Kaisa-Bennett, 2012: 67). جایگاه مولداوی در شاخص‌های توسعه سیاسی منتشرشده توسط خانه آزادی را می‌توان در جدول ۵ مشاهده کرد.

جدول ۵. شاخص‌های توسعه سیاسی مولداوی در ۲۰۱۹

حقوق سیاسی	فرایند انتخابات	تکثر سیاسی	کارکرد حکومت	آزادی مدنی	حقوق انجمن‌ها	حقوق فردی	حاکمیت قانون	
۴۰	۱۲	۱۶	۱۲	۶۰	۸	۱۶	۱۲	امتیاز کل
۲۴	۹	۱۱	۴	۳۴	۱۲	۹	۶	امتیاز مولداوی

منبع: (FreedomHouse, 2020)

1. IDIS Viitorul
2. Promo
3. National Platform of Moldova

نمره مولداوی در فرایند انتخاباتی ۹ و در کارکرد حکومت ۴ است. یکی از ویژگی‌های نظام سیاسی در مولداوی، بی‌ثباتی حکومت‌هاست. استانداردهای اروپایی نیز نتوانسته است این وضعیت را بهتر کند. بعد از انقلاب توتیتری در سال ۲۰۰۹، این کشور چندقطبی شد. در این سال احزاب طرفدار اروپا برای اولین بار قدرت را در دست گرفتند. اما به محض اینکه دولت آماده اجرای اصلاحات اروپامحور شد، بن‌بست‌های سیاسی و ناتوانی برای رسیدگی به موضوعاتی مانند فساد و رکود اقتصادی اجرای آن را به تأخیر انداخت. در نتیجه، در انتخابات نوامبر، این احزاب بیشتر مورد هجمه قرار گرفتند (Montesano, Vander Togt, Zweers, 2016:6). بعد از پیروزی مجدد احزاب اروپاگرا، به دلیل فساد و سوءمدیریت اوضاع پیچیده‌تر شد. در نتیجه در سال ۲۰۱۵ حدود ۴۰۰۰۰ نفر علیه فساد نظام‌مند دست به اعتراض زدند و خواهان استعفای حکومت و محاکمه الیگارشی حاکم شدند.

در انتخابات سال ۲۰۱۴، هرچند حزب سوسیالیست، بیشترین آرا را به دست آورد، اما ترکیب حکومت بارها تغییر کرد و سبب بی‌ثباتی سیاسی در کشور شد. با اینکه نوک پیکان حملات به سوی ولاد فیلات نشانه رفته بود، اما در انتخابات ۲۰۱۶ بار دیگر اروپاگراها زمام امور را در دست گرفتند. پس از آرام شدن وضع، در سال ۲۰۱۷، قانون جدیدی تصویب شد که نظام انتخاباتی را از حداکثر تناسبی به ترکیبی تغییر داد تا بتوانند مشکل را حل کنند، اما این راه نیز مؤثر نبود.

طی انتخابات پارلمانی فوریه ۲۰۱۹، چهار حزب اصلی مولداوی یعنی سوسیالیست، دموکراتیک، آکوم^۱ و سور^۲ بیشترین آرا را به خود اختصاص دادند؛ اما پس از انتخابات نتوانستند در مورد تشکیل کابینه به توافق برسند و این مقدمه بحران سیاسی در مولداوی بود که در نهایت با فراز و نشیب‌های فراوان، ایگور دودون^۳ به ریاست جمهوری این کشور رسید (Wolfswenger, 2019). این کشور دچار فساد، سوءمدیریت و اختلاس‌های متعدد است و به کمک نهادهای اروپایی برای مواجهه با این وضعیت امید بسته است.

مشروط بودن در حوزه‌های سیاسی سیاست همسایگی، گاهی جنبه ضدتوسعه‌ای به خود گرفته است. چون ناکارآمدی سیاست‌های متخذه از سوی حکومت مولداوی و انعطاف‌ناپذیری اتحادیه اروپا برای پذیرش عضویت مولداوی در اتحادیه، سبب از بین رفتن اعتماد مردم مولداوی به این نهاد شده است (Morari, 2016:421). اتحادیه اروپا مشوق تکثرگرایی است و از این نظر نیز امتیاز مولداوی خوب است؛ اما روی دیگر سکه چندقطبی شدن فضای سیاسی و اجتماعی است. با وجود وسعت و جمعیت اندک، مولداوی کشور پیچیده‌ای است. گروه‌های

1. ACUM
2. SOR
3. Igor Dodon

قومی مختلف با هویت‌ها و ترجیحات ایدئولوژیک متنوع در کنار هم زندگی می‌کنند. احزاب راست افراطی و راست مرکزی مدافع همگرایی با اروپا و احزاب چپ، همگی مخالف آن هستند. درحالی‌که نیمی از شهروندان از اتحادیه اروپا حمایت می‌کنند، نیمی دیگر با آن مخالف‌اند. در نظرسنجی سال ۲۰۱۹ در مورد اتحادیه اروپا، نگاه ۵۵ درصد به آن مثبت، ۱۰ درصد منفی و ۳۳ درصد بی‌طرف بود. نتایج این نظرسنجی را می‌توان در جدول ۶ مشاهده کرد.

جدول ۶. نتایج نظرسنجی در مورد اتحادیه اروپا

۲۰۱۹			۲۰۱۸			۲۰۱۷			۲۰۱۶			روابط اتحادیه اروپا و مولداوی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
بی‌نظر	بد	خوب	بی‌نظر	بد	خوب	بی‌نظر	بد	خوب	بی‌نظر	بد	خوب	
۵٪	۲۷٪	۶۸٪	۷٪	۱۹٪	۷۴٪	۷٪	۲۵٪	۶۸٪	۹٪	۲۴٪	۶۷٪	تصورتان از اتحادیه اروپا چیست؟
۱۰٪	۳۳٪	۵۵٪	۱۴٪	۳۴٪	۴۸٪	۱۷٪	۳۹٪	۴۳٪	۱۷٪	۳۰٪	۵۲٪	برنامه‌های اتحادیه اروپا چه قدر مفید بوده‌اند؟

منبع: (Opinion Survey, 2019)

با وجود این نابسامانی‌ها، سطح کلی آزادی سیاسی در مولداوی به نسبت، بهبود پیدا کرده است. رسانه‌ها از سطح خوبی از آزادی برخوردارند. اما نگرانی‌ها در مورد وضعیت شفافیت و استقلال رسانه‌ها وجود دارد (Popescu, 2015:1). با اینکه گروه‌های طرفدار محیط زیست افزایش یافته‌اند و همکاری میان مقامات دولتی و نهادهای جامعه مدنی رو به پیشرفت است، اما جامعه مدنی مولداوی هنوز هم ضعیف است. اولین اساسنامه جامعه مدنی در می ۲۰۱۶ تصویب شد که حدود ۵ درصد از بودجه ابزارهای همسایگی را به خود اختصاص داد. این اساسنامه، شامل تقویت آزادی رسانه و حقوق بشر می‌شد. برای تقویت آزادی رسانه، مولداوی چند قانون تصویب کرد. هرچند طبق گزارش‌ها سطح آزادی رسانه در مولداوی بالاتر از سطح منطقه است، اما مالکیت رسانه در دست سیاست‌مداران و تجار است و در نتیجه از نظر شفافیت در مورد آن شبهه وجود دارد (Fontana, 2015:3). بعد از امضای موافقت‌نامه همکاری، سازمان‌های غیرحکومتی شروع به همکاری برای نگارش پیش‌نویس قانون آزادی رسانه کردند.

مسئله آزادی رسانه‌ها در ماده ۱۲ موافقت‌نامه همکاری قید شده است. در مجموع رسانه مستقل، قلب تپنده دموکراسی است و این قلب در مولداوی بیمار است.

در حقوق انجمن‌ها وضعیت مولداوی خوب است، اما در آزادی مدنی وضعیت خوبی ندارد. با همه اینها رابطه متقابل جامعه مدنی با نهادهای اتحادیه اروپا و به‌ویژه پارلمان اروپا هر روز قوی‌تر شده است. در حالی که حکومت تحت فشار اروپا برای آزادسازی جامعه بود، جامعه مدنی فعالیت خود را افزایش داد (Gerasymchuk, 2018:7). بیداری اذهان عمومی در مولداوی در اثر گسترش روابط با اتحادیه اروپا را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. شکل جدیدی از رابطه میان مقامات و مردم طبق استانداردهای اروپایی در سال‌های اخیر رخ داده است. برنامه «عدالت و حقیقت»^۱ در مولداوی در سال ۲۰۱۵ تصویب شد. این برنامه مثال خوبی برای تأثیر سیاست همسایگی اروپاست (Gromadzki & Sendhardt, 2015: 15). طبقه حاکم در مولداوی می‌داند که دیگر نمی‌تواند جامعه را نادیده بگیرد، چراکه این کنش سبب واکنش‌های اعتراضی خواهد شد؛ مثل آنچه در سال ۲۰۱۵ در کیشناو شاهد آن بودیم. با وجود قطبی بودن جامعه، اکثریت آن به اروپا گرایش دارند. حتی در تصاویر اعتراضات کیشناو، مردم پرچم اتحادیه اروپا را حمل می‌کردند.

در مورد حقوق بشر نیز اصلاح سیستم پلیسی مبنی بر ممنوعیت شکنجه و رفتار خشونت‌آمیز با متهم و نظارت بر گروه‌های آسیب‌پذیر چون کودکان، زنان، زندانیان و اقلیت‌ها مورد توجه قرار گرفت (Montesano, Vander Togt, Zweers, 2016:12). چند مسئله سبب ایجاد نگرانی در مورد وضعیت حقوق بشر در این کشور شده است. در ۶ سپتامبر ۲۰۱۸، دستگاه اطلاعاتی مولداوی، بدون هیچ مدرکی، ۷ معلم ترکیه‌ای را به جرم تهدید علیه امنیت ملی و ارتباط با گروه‌های اسلام‌گرا دستگیر و سپس از کار اخراج کرد. مورد دیگر سرکوب تجمعات ۲۰۱۸ و جشن استقلال مولداوی توسط پلیس بود (Josan & Nofit, 2019:13).

شاید حادثه‌ترین مسئله توسعه سیاسی مولداوی، سطح بالای فساد است. طبق ماده ۱۶ از موافقت‌نامه همکاری، اتحادیه اروپا و مولداوی باید در مورد مبارزه با فساد فعال و غیرفعال بخش دولتی و خصوصی با هم همکاری کنند. اما به‌ویژه در مورد پرونده ایلان شور^۲، مقاومت‌هایی در مولداوی مشاهده می‌شود. شور متهم به فساد فعال شده است (Josan & Nofit, 2019:11). منظور از فساد فعال، طبق کنوانسیون مبارزه با فساد مقامات جوامع اروپایی سال ۱۹۹۷، هرگونه پیشنهاد یا اعطای امتیاز مادی به یک مقام دولتی در ازای تعهد به انجام یا عدم انجام وظایف رسمی وی است. فساد غیرفعال هم به هرگونه درخواست امتیاز مادی از سوی

کارمند دولت یا صاحب‌منصب دولتی در ازای انجام یا عدم انجام وظایف رسمی، اطلاق می‌شود. پرونده ولاد فیلات، نمونه‌ای از فساد غیرفعال بود که ناکارآمدی نظام حقوقی مولداوی در مبارزه با پولشویی را نشان داد.

شکست اصلاحات حقوقی ۲۰۱۱-۲۰۱۵ بدان معنا بود که اجرای استراتژی ملی مبارزه با فساد ۲۰۱۷ باید با جدیت بیشتر پیگیری شود. علت شکست اصلاحات این بود که اجرای آن توسط دیوان عالی کشور تصویب نشد. حتی با وجود تغییر ۳۰ درصد قضات، گروه اصلی و فاسد همچنان در این نظام باقی ماندند و از داخل شروع به کارشکنی در امر اجرای اصلاحات کردند. بودجه دستگاه قضا در مولداوی تنها ۱ درصد از بودجه کل است. فقدان پرسنل کافی، تمرکز امور در دست دیوان عالی کشور، تصمیم‌گیری پشت درهای بسته و وجود سلسله‌مراتب غیررسمی میان قضات همه در این وضعیت مؤثر بودند (Josan & Nofit, 2019:12). طبق شاخص شفافیت بین‌المللی، مولداوی با نمره ۳۲ از ۱۰۰، بین ۱۸۰ کشور در سال ۲۰۱۹ رتبه ۱۲۰ را به خود اختصاص داده است (Transparency International, 2020).

در مولداوی بسیاری از بخش‌های اقتصادی در انحصار گروهی کوچک است و به همین دلیل قیمت کالاهای مصرفی در این کشور به شکل باورنکردنی بالاست و کیفیت آن به شدت پایین است. این کارتل‌ها در بخش کشاورزی نیز فعال‌اند. آنها بسیاری از قضات را خریده‌اند و شکایت از آنها به جایی نمی‌رسد. آنها حتی به سیاست‌مداران نیز رشوه می‌دهند. در طرح مشارکت شرقی، به لحاظ فضای کسب‌وکار مولداوی با امتیاز ۴۴ بعد از اوکراین، آذربایجان و ارمنستان قرار می‌گیرد (Gotisan, 2017:8). در همین زمینه پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۸ دو قطعنامه علیه این کشور صادر کرد و کمیسیون اروپا نیز تصمیم گرفت کمک به مولداوی را متوقف کند (Cenusa, 2019:5). قدرت اصلی در این کشور حول ولادیمیر پلاخوتنیوک^۱، ثروتمندترین فرد در طبقه حاکم مولداوی و رهبر دوفاکتو حزب دموکراتیک می‌چرخد. او کنترل بخش اعظم نظام حقوقی و سیاسی مولداوی را در دست دارد (Montesano, Vander Togt, Zweers, 2016:6). هنوز ابزارهای مبارزه با فساد در مولداوی ضعیف است. رسوایی بانکی سال ۲۰۱۵ در مولداوی بیانگر ناکارایی سیستم مبارزه با فساد در این کشور بود.

۷. نتیجه‌گیری

اتحادیه اروپا یک نهاد منطقه‌ای است که ویژگی‌های منحصر به فردی دارد؛ مثل سطح بالای اقتدار فراملی که در کمتر بازیگر دیگری در عرصه جهانی قابل مشاهده است. بر همین اساس اتحادیه اروپا می‌تواند نقش هادی توسعه را بر عهده گیرد. اتحادیه اروپا در پی آن بود که راهی

1. Vladimir Plahotniuc

پیدا کند تا بتواند در قالب استانداردهای اروپایی، سبب گذار کشورهای همسایه شود و در عین حال به آنها وعده عضویت هم ندهد. راه حل در قالب سیاست همسایگی اروپا طراحی شد. کشورها بر مبنای گزینش عقلانی، پرمفعت‌ترین گزینه در دسترس را برمی‌گزینند. بنابراین بهترین ابزار برای اتحادیه اروپا منطق مشروط بودن و جامعه‌پذیری است. اتحادیه اروپا از مشوق‌های مثبت و منفی در این زمینه بهره برده است. نفوذ اتحادیه اروپا در این زمینه، بر مبنای تنظیم تقاضاست. اروپایی شدن مولداوی از جایگاه جغرافیایی آن و داشتن تاریخ مشترک با رومانی و سنت‌های اروپایی نشأت می‌گیرد.

برای آزمون فرضیه تحقیق براساس نظریه اروپایی شدن شیملفنینگ دو شاخص مشروط بودن و جامعه‌پذیری به‌عنوان سنج سیاست همسایگی در نظر گرفته شد. سپس برای عملیاتی کردن این شاخص‌ها در قسمت مشروط بودن چهار مؤلفه موافقت‌نامه دوجانبه (موافقت‌نامه مشارکت و همکاری و موافقت‌نامه همکاری)، کمک‌های اتحادیه اروپا، رژیم تجاری (موافقت‌نامه تجارت آزاد عمیق و همه‌جانبه) و لغو روادید بررسی شد. در شاخص جامعه‌پذیری نیز مؤلفه‌های عملیاتی کمک‌های فنی و مبادله اطلاعات (مأموریت مرزی اتحادیه اروپا، مأموریت‌های مستشاری، بازدید علمی و کارگاه‌های آموزشی) تبیین شد.

در مرحله بعد به بررسی تأثیر این شاخص‌ها بر متغیر وابسته پرداخته شد. شاخص‌های متغیر وابسته عبارت بود از کارکرد حکومت، فرایند انتخاباتی، تکثر سیاسی، فساد سیاسی، حقوق انجمن‌ها، حقوق بشر و آزادی مدنی. از ارتباط متغیرها مشخص شد که سیاست همسایگی اروپا از طریق مشروط بودن و جامعه‌پذیری بر کارکرد حکومت، فرایند انتخاباتی، فساد سیاسی، آزادی مدنی و حقوق بشر مؤثر نبوده است؛ اما تأثیر مثبتی بر تکثر سیاسی و حقوق انجمن‌ها بر جای گذاشته است.

با بررسی این شاخص‌ها مشخص شد که اجرای منطق مشروط بودن و جامعه‌پذیری در چارچوب اروپایی شدن، به توسعه مولداوی منجر نشده است؛ چون شرایط مولداوی هنوز برای حرکت به سوی جامعه اروپایی فراهم نیست. این کشور هنوز ساختار سلسله‌مراتبی کمونیستی را حفظ کرده است. سیاست همسایگی اروپا خود تأثیر مطلوبی بر جامعه مولداوی داشته است. این تأثیر می‌تواند پایه‌ای برای تقویت روند توسعه سیاسی و اجتماعی در این کشور باشد؛ اما عوامل متعددی چون وجود منازعه‌های فعال، مداخله روسیه، سطح بالای فساد و عدم آمادگی کشور برای پذیرش اصلاحات اجازه این کار را نمی‌دهد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. کولایی، الهه (۱۳۹۲). سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.

۲. ----- (۱۳۹۶). سیاست و حکومت در اوراسیای مرکزی، تهران: سمت.

(ب) خارجی

3. Brown, Jeffrey Ellison (2015). **Europeanization Postponed: The Role of Veto Players in Shaping Convergence with the EUs Conflict Resolution & Internal Market Integration Policies in Moldova & Georgia**. Chapel Hill .
4. Börzel, Tanja & Risse, Thomas (2009). **The Transformative Power of Europe: The European Union and the Diffusion of Ideas**. Berlin: KFG Working Papers .
5. CEIC (2020). "Moldova's Total Exports." *CEIC*. 3 14. https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=1&cad=rja&uact=8&ved=2ahUKewicm_ub97_pAhUERxUIHbIAe8QFjAAegQIBRAB&url=https%3A%2F%2Fwww.ceicdata.com%2Fen%2Findicator%2Fmoldova%2Ftotal-exports&usg=AOvVaw1huxLpZ1Say0uiSjoaGY48.
6. Cenusă, Denis (2019). **EU Policy on Strengthening Resilience in Moldova, Ukraine ,and Oligarchic Influence**. Brussels: CEPS.
7. Checkel, Jeffrey (2005). "International Institutions and Socialization in Europe: Introduction and Framework", **International Organization**, Vol. 59 , No. 4, pp. 801-826.
8. Chirila, Victor (2015). "A Focus on Moldova ." In **Eastern Partnership Revisited**, by Friedrich Ebert Stiftung Institute, 47-77. Warsaw: Friedrich Ebert Stiftung Institute.
9. Damen, Mario (2019). **Three Eastern Partnership Neighbours : Ukraine, Moldova & Belarus**. 11 1. <https://www.europarl.europa.eu/factsheets/en/sheet/171/trois-voisins-du-partenariat-oriental-ukraine-moldavie-et-bielorussie>.
10. DelMedico, Nicola(2014). **A Black Knight in the Eastern Neighbourhood? Russia & EU Democracy Promotion in Armenia & Moldova**. Bruges: Collage of Europe.
11. Dorogi, Ildiko, Margit David & Bela Kardon (2019). **Reports on EU & Eastern Partnership International Cooperation Barometer in Science Technology and Innovation**. Brussels: EAP Plus.
12. EC(2020). **European Neighbourhood Policy And Enlargement Negotiations**. 1 9. https://ec.europa.eu/neighbourhood-enlargement/neighbourhood/countries/moldova_en.
13. EC (2020a). **TAIEX. 5 28**. Integrated Administration and Control System, Fraud prevention and Conflict of Interests within a Paying Agency.
14. EC (2018). **Characterisation of Preliminary Priority Areas for Smart Specialisation in Moldova**. New York: SIRIS.
15. EIB (2020). *Moldova & The EIB*. 3 9. <https://www.eib.org/en/projects/regions/eastern-neighbours/moldova/index.htm>.
16. Emerson, Michael (2019) **Scenarios for a Wider Europe**. Brussels: CEPS.
17. Eurostat. (2020). **Statics on ENP Countries: East**. 13 4. https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/European_Neighbourhood_Policy_countries_-_statistical_overview.
18. Facts&Figuers (2020). "Facts and figures about EU-Moldova relations." *EU*. 3 17. <https://www.google.com/search?client=firefox-b-d&q=fact+and+figures+about+eu-moldova>.
19. Fontana, Lole (2015). **Implementation of the European Neighbourhood Policy in the Republic of Moldova Progress in 2014 & Recommendations for Action**. Brussels: SWD.
20. FreedomHouse (2020). *Moldova*. 3 14. www.freedomhouse.org/report/freedom-world/2019/moldova.
21. Gerasymchuk, Sergiy (2018). **Election 2019 9n Moldova: New Challenges & New Opportunities for Cooperation Within Ukraine-Moldova-Romania Triangle**. Kiev: IRF.
22. Gotisan, Lurie (2017). **EU Association Agreement: Recent Trends**. Vilnius: EESC.

23. Graziano, Paolo & Vink, Maarten Peter (2013). "Europeanization : concept, theory, and methods." In **The Member States of the European Union**, by Simon Bulmer & Christian Lesquine, 31-54. Oxford: Oxford University Press.
24. Gromadzki, Grzegorz. (2015). **The Eastern Partnership After 5 Years: Time for Deep Rethinking**. Luxembourg: European Parliament.
25. Grunhut, Zoltán (2017). "Concepts, Approaches and Methods on Europeanisation : A Meta-analysis." **Eastern Journal of European Studies** 8 (1), pp. 157-176.
26. Gromadzki, Grzegorz & Bastian Sendhardt (2015). "Introduction", In **Eastern Partnership Revisited Institute**, by Friedrich Ebert Stiftung, 7-46. Warsaw: Friedrich Ebert Stiftung Institute.
27. Huff, Ariella (2011). **The Role of EU Defence Policy in The Eastern Neighbourhood**. Paris: ISS.
28. Josan, Stefan & Nofit, Ludmila (2019). "How the Association Agreement changed EU-Moldova relation Where is Moldova in the AA/DCFTA implementation process and why." *APE*. 2 2. <http://www.ape.md/wp-content/uploads/2019/03/EU-MD-relations.pdf>.
29. Kaisa-Bennett, Hanna (2012). **Leverage & Limitations of the EU's Influence in the Eastern Neighbourhood**. London: School of Economy & Political Science.
30. King, Charles. 1999. **The Moldovans: Romania, Russia, and the Politics of Culture (STUDIES OF NATIONALITIES)**. Stanford: Hoover Institute Press.
31. Francesco Montesano, Tony Vander Togt, Wouter Zweers (2016). **The Europeanisation of Moldova is the EU on the Right Track?** Hauge: Clingendael Report.
32. Morari, Cristina (2016). **EU Role in the Republic of Moldova European Integration Within Eastern Partnership**. Iasi: Alexandru Ioan Cuza University of Iasi, Centre for European Studies.
33. Opinion Survey (2019). **Opinion Survey 2019: Republic of Moldova**. 7 3. https://www.euneighbours.eu/sites/default/files/publications/2019-07/EUNEIGHBOURS%20east_AS2019_Factsheet_MOLDOVA_ENG.pdf.
34. Popescu, Nicu (2015). **Moldova's Star: Shining or Falling?** brussels: EUISS.
35. Radaelli, Claudio M. 2000. "Whither Europeanization? Concept Stretching and Substantive Change", **European Integration online Papers** 8 (4): 1-28. doi:https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=302761.
36. Sasse, Gwendolyn (2008). "The European Neighbourhood Policy: Conditionality Revisited for the EU's Eastern Neighbours." **Europe-Asia Studies** 60 (2): 295-316. doi:10.1080/09668130701820150.
37. Schimmelfennig, Frank (2012). "Europeanization beyond Europe", **Living Reviews in European Governance**, 7 (2): 1-31. doi:10.12942/lreg-2012-1.
38. Schimmelfennig, Frank (2005). "The International Promotion of Political Norms in Eastern Europe: A Qualitative Comparative Analysis." **Jean Monnet/Robert Schuman Paper Series** 5 (28).
39. Schimmelfennig, Frank & Scholtz, Hanno (2010). "'Legacies and Leverage. EU Political Conditionality and Democracy Promotion in Historical Perspective", **Europe-Asia Studies** 62 (3): 443-460. doi:09668131003647820.
40. Schimmelfennig, Frank & Sedelmeier, Ulrich (2005). **The Europeanization of Central and Eastern Europe**. Ithaca: Cornell University Press.
41. Secieru, tanislav (2014). **Keep The Eyes Wide Open: EU in Moldova**. Bucharest: CRPE.
42. Timus, Natalia (2010). **Europeanization and democratization Outside the EU Borders: The Impact of European Democracy Promotion on Party Financing in the East European Neighborhood**. Munster: ECPR.
43. Trading Economics (2020a). **Moldova GDP**. 5 13. <https://tradingeconomics.com/moldova/gdp>.
44. Trading Economics (2020). **Moldova Imports**. 5 13. <https://tradingeconomics.com/moldova/imports>.
45. Transparency International (2020). **Corruption Perceptions Index**. 3 14. <https://www.transparency.org/en/cpi/2019>.
46. UN (2020). **Moldova Exports By Country**. 15 5. <https://tradingeconomics.com/moldova/exports-by-country>.
47. VanSeeters, Marieke (2010). **European Influence in Moldova: The role of the European Union on Nation-Building in Moldova**. Nijmegen: Radboud University.

48. Vassileva, Vesselina (2016). **What Can Explain the Varying Progress of Moldova Toward European Integration Over Time?** Brussels: International & European Governance.
49. Wolfswenger, Johann (2019). **10 Years Eastern Partnership: The EU and Its Strategic Dilemma**, Viena: Osterreichische Gesellschaft Fur Europapolitik.
50. WorldBank (2020). "Is the DCFTA Good for Moldova? Analysis of Moldova's Trade Options Using a Dynamic Computable General Equilibrium Model", **The World Bank**. 314. <http://documents.worldbank.org/curated/en/281771467991921364/pdf/103996-REPF-Moldova-Trade-Study-Note-2-Is-the-DCFTA-Good-for-Moldova.pdf>.

